

A Phenomenological Exploration of the Lived Experience of Mothers of Children with Learning Disorders from Their Child's Emotional-Behavioral Problems

Fateme Mazaheri Tehrani*
Saeed Ghanbari**
Jalil Fathabadi***
Omid Shokri****
Masuod Sharifi*****

Introduction

Learning disorders are one of the considerable topics in educational psychology. Children with learning disabilities experience more emotional problems than their peers. Hence, there will be more challenges for the parents of these children, which can add to the complexity of the parenting experience. Therefore, this study aimed to identify the main elements in the lived experience of mothers of children with learning disabilities of the emotional and behavioral problems of their children.

Method

In this research, the phenomenological research method was used to investigate the lived experience of mothers of children with learning disabilities to cope with their children's emotional-behavioral problems. Therefore, among the clients of learning disability treatment centers in Tehran, to the point of saturation, 14 mothers of children with learning disabilities participated in in-depth and semi-structured interviews; After recording and transcribing the interviews, the data was analyzed by the Colaizzi method.

* Ph.D. Student, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

** Assistant Professor, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. *Corresponding Author:* s_ghanbari@sbu.ac.ir

*** Associate Professor, University of Shahid Beheshti, Thran, Iran.

**** Assistant Professor, University of Shahid Beheshti, Thran, Iran.

***** Assistant Professor, University of Shahid Beheshti, Thran, Iran.

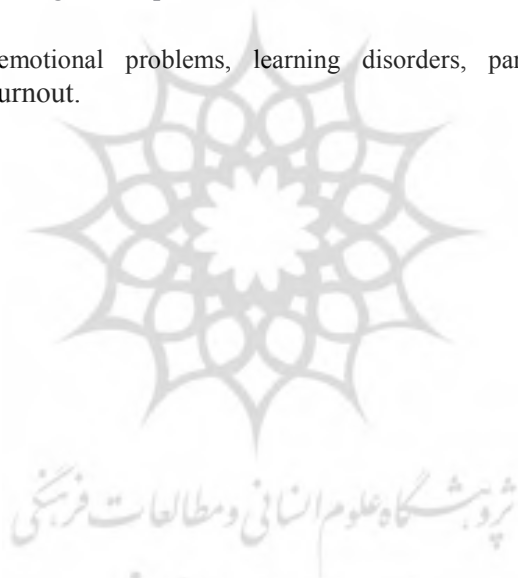
Results

In the analysis of descriptive codes of interviews, 137 primary concepts were extracted. Combining similar concepts created 31 sub-concepts and 7 main concepts. The 7 main concepts are; Social Communication Impairment, Marital Relationship Impairment, Challenging Parenting, Inefficient Education System, Decrease in psychologically rich life, Experience of Negative Emotions, and Physical-Psychological Problems.

Discussion

The concepts found in the study showed that mothers of children with learning disabilities face many difficulties due to their children's academic and emotional-behavioral problems that lead to the experience of feelings of burnout in parenting and require social and clinical attention.

Keywords: emotional problems, learning disorders, parenting experience, parenting burnout.



Author Contributions: *Fateme Mazaheri Tehrani*, general framework planning, content editing and analyzing, submission and correction. *saeid ghabnari*, collaboration in general framework planning, selection of approaches; final review. *Jalil Fathabadi*, *Omid Shokri* and *masoud sharifi*. comparison of approaches, conclusions. All authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments: The authors thank all dear colleagues and professors who have helped us in this research.

Conflicts of Interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article. This article extracted from the Ph.D. thesis, with the guidance of saeid ghabnari, Jalil Fathabadi and with the consultation of Omid Shokri and masoud sharifi.

Funding: This article did not receive financial support.

تجربه زیسته مشکلات روانی - اجتماعی مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری شهر تهران

فاطمه مظاهری تهرانی*

سعید قنبری**

جلیل فتح‌آبادی***

امید شکری****

مسعود شریفی*****

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته مشکلات روانی - اجتماعی مادران کودکان دارای اختلال یادگیری شهر تهران بود. برای درک و توصیف تجربه از روش پژوهش پدیدارشناسی استفاده شد. از میان مراجعان به مراکز درمانی اختلال یادگیری شهر تهران، تا رسیدن به حد اشباع، ۱۴ مادر دارای کودک با اختلال یادگیری در مصاحبه‌ای عمیق و نیمه ساختاریافته شرکت کردند. داده‌های پژوهش با روش کلاسیکی تحلیل گردید. در تحلیل کدهای توصیفی مصاحبه‌ها، ۱۳۷ مفهوم اولیه استخراج شد و با تلفیق مفاهیم مشابه ۳۱ مفهوم فرعی و ۷ مفهوم اصلی (آسیب‌دیدگی روابط اجتماعی، آسیب‌دیدگی روابط زناشویی، والدگری چالش‌برانگیز، سیستم آموزشی ناکارآمد، افت غنای زندگی، تجربه هیجان‌ات منفی، و مشکلات جسمی - روانی) در این پژوهش شناسایی شد. مفاهیم به دست آمده در پژوهش حاضر نشان داد مادران این کودکان، مشکلات روانی و اجتماعی را تجربه می‌کنند که می‌تواند منجر به

* دانشجوی دکترای روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

** استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) s_ghanbari@sbu.ac.ir

*** دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

**** استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

***** استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

تغییر نوع رابطه ارتباطی و روان‌شناختی آنان با اطرافیان‌شان شده و آنها را منزوی سازد و احساس فرسودگی در والدگری را تجربه کنند.

کلید واژگان: اختلال یادگیری، تجربه زیسته، مشکلات روانی - اجتماعی

مقدمه

اختلالات یادگیری از مباحث عمده در روان‌شناسی است که در ایران کمتر مورد بحث بوده است (Hemati Rad et al., 2017). مشخصه اصلی اختلال یادگیری پیشرفت تحصیلی بسیار کندتر از حد انتظار با توجه به وجود توانمندی هوشی طبیعی در فرد است. این پیشرفت نامتوازن معمولاً در یک یا چند مبحث مهم در یادگیری (خواندن، نوشتن، ریاضیات) مشهود است (Kouvava et al., 2020). بر اساس طبقه‌بندی انجمن روان‌پزشکی آمریکا (APA, 2013)، کودکان دارای اختلال یادگیری از نظر جنبه‌های رشدی - هوشی تفاوت چندانی با همسالان خود ندارند، به همین دلیل تا پیش از ورود به مدرسه والدین متوجه وجود مشکل در فرزندانشان نمی‌شوند. اما با ورود به مدرسه ناتوانی‌های آنان آشکار می‌شود (Soleimani et al., 2019). اختلال یادگیری فرزندان می‌تواند موجب بروز کشمکش‌هایی بین همسران در مورد نحوه تعامل با فرزند شود (Dyson, 2010). در خانواده‌های دارای فرزند با اختلال یادگیری والدین آشفتگی‌های جسمی و هیجانی، مشکلات عملکردی و تعارضات خانوادگی بالاتری را گزارش داده‌اند (Brandon et al., 2021).

شرمساری، خشم و احساس بی‌کفایتی صدمات قابل توجهی بر سلامت روان والدین کودکان با ناتوانی وارد می‌کند (Farahani et al., 2014). همچنین فشار ناشی از ناتوانی این کودکان در تصمیم‌گیری و مدیریت تکالیفشان بر والدین و بر روابط اعضای خانواده اثرات نامطلوبی دارد (Anuar et al., 2021). والدین از آشفتگی‌های هیجانی کودکان خود تأثیر می‌پذیرند و متقابلاً آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Lunkenheime, 2020). والدین کودکان دارای اختلال یادگیری نگرش منفی نسبت به خود، آینده و جهان دارند (Bassak Nejad & Farahani, 2015). احساس ناایمنی می‌کنند و خود را کمتر شایسته و و توانمند می‌دانند (Lee, 2021). یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که اختلال یادگیری کودک با افزایش تنیدگی والدین (Hsiao, 2018) و بالا رفتن احتمال بروز اختلالات روان‌شناختی در مادر همراه است (Ryan et al., 2017). پژوهش‌های

اندکی به بررسی خودبستگی والدینی (parent self-efficacy) در والدین کودکان دارای اختلال یادگیری انجام گرفته است؛ اما همین پژوهش‌ها نشان داده‌اند خودبستگی والدینی کودکان دارای اختلال یادگیری با سطح استرس والد رابطه عکس دارد (Nordin & Husain, 2020). شواهد پژوهشی حاکی از آنند که مادران کودکان دارای اختلال یادگیری که حمایت اجتماعی و هیجانی دریافت می‌کنند (مخصوصاً زمانی که این حمایت را از سمت همسرانشان دریافت کنند) خودبستگی والدینی بیشتری را تجربه می‌نمایند (Cohen et al., 2015).

همان‌طور که به آن اشاره شد بهزیستی روان‌شناختی-هیجانی-اجتماعی مادران دارای فرزند با اختلال یادگیری و فرزندانشان با یکدیگر در آمیخته است. با این حال همچنان به تجربیات والدین به ویژه مادران کودکان دارای اختلال یادگیری، که به صورت سنتی بخش عمده‌ای از مسئولیت فرزندپروری را به عهده دارند، توجه پژوهشی شایسته‌ای نشده است. از این رو پژوهش حاضر به منظور رسیدن به درکی عمیق‌تر از آن چه مادران دارای کودک با اختلال یادگیری با آن مواجه هستند، به تحلیل پدیدارشناسانه تجربه زیسته این مادران در مواجهه با مشکلات هیجانی-رفتاری فرزندان دارای اختلال یادگیری‌شان می‌پردازد.

روش

پژوهش حاضر پژوهشی کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی است، که با هدف درک و توصیف تجربه زیسته روانی-اجتماعی مادران دارای کودک با اختلال یادگیری انجام گرفته است. روش پژوهش پدیدارشناسی با هدف درک لایه‌های عمقی در معنای تجربه‌های زیسته افراد درباره یک پدیده خاص شکل گرفته است (Jalalikhah et al., 2020).

روش اجرا

شرکت‌کنندگان در این پژوهش زنان دارای حداقل یک فرزند (۸ تا ۱۳ ساله) با اختلال یادگیری بود که به مراکز درمانی اختلال یادگیری در شهر تهران مراجعه کرده‌اند. این کودکان توسط مدارس به علت مشکلات یادگیری به مراکز درمان اختلال یادگیری ارجاع داده شده بودند و با توجه به نمره هوشی و کسلر (در محدوده حداقل ۱/۵ انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین) و آزمون‌های تشخیصی و مصاحبه‌های بالینی متخصصان به عنوان کودکان دارای اختلال یادگیری

ویژه پذیرش شده بودند. از میان مادران این کودکان تعداد ۱۴ مادر تا رسیدن به حد اشباع انتخاب شدند (زمانی که تقریباً هیچ تجربه جدیدی در ۳ مصاحبه آخر یافت نشد). ملاک خروج از پژوهش انصراف هر یک از مادران از ادامه مصاحبه یا تغییر نظر درباره رضایت اولیه بود. ویژگی‌های دموگرافیک شرکت‌کنندگان در پژوهش جدول ۱ قابل مشاهده است.

برای دستیابی به هدف پژوهش در ابتدا ۸ سؤال بازپاسخ طراحی شد. در ابتدا برای گشایش بحث سؤالات کلی (مانند: فرزند شما چه مشکلی در یادگیری دارد؟ چگونه متوجه مشکل فرزندتان شدید؟) و پس از آن سؤالات اختصاصی‌تر مطرح شد (مانند: شرایط فرزندتان چگونه زندگی شما را تحت تأثیر قرار داده است؟). سؤالات به دقت توسط پژوهشگران تحت نظارت اساتید روان‌شناسی طراحی شدند. مصاحبه‌ها در فاصله زمانی آذر تا بهمن ماه سال ۱۳۹۷ به صورت حضوری انجام پذیرفت و مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه در نوسان بود. پیش از انجام هر پژوهش برای اطمینان از رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان در پژوهش با شرح مختصری از شیوه انجام کار، ضمن اطمینان‌دهی به شرکت‌کنندگان در مخفی ماندن هویت آنان، از آنان برای ضبط مصاحبه‌ها رضایت‌نامه کتبی دریافت شد. بعد از انجام هر مصاحبه با روش کلایزی Colaizzi داده‌ها در ۷ مرحله پردازش شدند: (۱- خواندن دقیق توصیفات؛ ۲- بیرون کشیدن عبارات مهم؛ ۳- ایجاد معانی؛ ۴- قرار دادن معانی در ذیل تم‌ها؛ ۵- ایجاد توصیف روایتی؛ ۶- نوشتن گزارش کتبی؛ ۷- بازبینی برای تعیین اعتبار). به دقت مصاحبه‌های ضبط‌شده به متن نوشتاری تبدیل شد و بعد از خواندن چندباره هر مصاحبه مفاهیم اولیه با استفاده از نکات کلیدی و برجسته عنوان‌شده توسط هر شرکت‌کننده در قالب کدهای توصیفی برچسب‌گذاری شد. از این کدهای توصیفی ۱۳۷ مفهوم اولیه استخراج شد و با تلفیق مفاهیم مشابه ۳۱ مفهوم فرعی و ۷ مفهوم اصلی در ذیل پدیده فرسودگی والدگری (parental burnout) در مادران دارای فرزند با اختلال یادگیری پدید آمد. سپس برای اعتباریابی یافته‌ها کدهای استخراج شده توسط ۲ تن از متخصصان و شرکت‌کنندگان در پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. در عین حال مصاحبه‌کننده دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی با ۶ سال سابقه همکاری با مراکز درمانی اختلال یادگیری کودکان بود و سایر همکاران در پژوهش اساتید روان‌شناسی و متخصص در حوزه اختلالات یادگیری و آشنا با روش پژوهش کیفی هستند. همچنین نمونه‌ای از کلام مشارکت‌کنندگان در پژوهش عنوان شده است.

Table 1.
Demographic characteristic of the participants

ID	Child's Age / gender *	Type of Learning disorder	Mother's Age	Mother's Education **
1	8/m	Dyslexia	36	B.S
2	9/m	Dysgraphia	35	Diploma and lower
3	11/f	Dyscalculia	34	A.D
4	10/m	Dysgraphia	44	B.S
5	9/m	Dyslexia	34	A.D
6	9/m	Dyscalculia	37	M.A
7	9/m	Dysgraphia	41	Diploma and lower
8	13/f	Dysgraphia and Dyslexia	56	M.A
9	10/m	Dyslexia	40	Phd
10	9/f	Dyscalculia	34	
11	10/f	Dyslexia	43	Diploma and lower
12	9/m	Dysgraphia and Dyslexia	38	M.A
13	10/m	Dysgraphia	35	M.A
14	10/m	Dyslexia	46	B.S

*M= male, f= female; ** A.D/ Associate Degree, B.S. (Bachelor of Science), M.A. (Master of Arts), Ph.D. (Doctor of Philosophy)

یافته‌ها

به منظور رسیدن به درکی ژرف از آنچه مادران دارای کودک با اختلال یادگیری تجربه کرده‌اند، مصاحبه‌های مادران به روش Colaizzi مورد تحلیل قرار گرفت. در این مرحله ۱۳۷ مفهوم مرکزی از کدهای توصیفی مادران از تجربه خود استخراج شد. با دسته‌بندی این مفاهیم ۳۱ مفهوم فرعی در ذیل ۷ مفهوم اصلی به دست آمد که پدیدار اصلی فرسودگی والدگری را شکل می‌دهد.

در ادامه به تفصیل به هر یک از این مفاهیم پرداخته شده است:

۱- آسیب‌دیدگی روابط اجتماعی (social communication impairment): مفهوم اصلی

آسیب‌دیدگی روابط اجتماعی از ۳ مفهوم فرعی درک نشدن، قضاوت‌گری و کاهش روابط اجتماعی تشکیل شده است. مفاهیم مرکزی ذیل این مفهوم شامل فشار همه جانبه، تلاش برای متقاعدسازی اطرافیان، درک نشدن از جانب اطرافیان، خستگی از کنترل محیط اجتماعی کودک، برچسب خوردن توسط دیگران، قضاوت منفی اطرافیان، مقایسه شدن از سوی والدین دیگر

Table 2.

The central concepts, sub-concepts and main concepts obtained from the phenomenon of parental burnout of mothers of children with learning disabilities

مفاهیم اصلی	مفاهیم فرعی	مفاهیم مرکزی
آسیب‌دیدگی روابط اجتماعی social communication impairment	درک نشدن، قضاوت‌گری، کاهش روابط اجتماعی	تلاش برای متقاعدسازی اطرافیان، برچسب خوردن توسط دیگران، درک نشدن از جانب اطرافیان، خستگی از کنترل محیط اجتماعی کودک، قضاوت منفی اطرافیان، مقایسه شدن از سوی والدین دیگر کودکان، اجتناب از موقعیت‌های قضاوت‌گر، ترس از قضاوت اطرافیان، کناره‌گیری اجتماعی، انزوای اجتماعی، فشار همه‌جانبه
آسیب‌دیدگی روابط زناشویی marital relationship impairment	احساس نابرابری، عدم توافق در فرزندپروری، تعارضات زناشویی، کناره‌گیری همسر	احساس تنهایی در برابر فشارها، نداشتن فهم مشترک از سطح مشکلات کودک، تنهایی در بر دوش کشیدن بار مشکلات، انکار مشکل از سمت شوهر، تعارض با همسر در انتخاب نوع درمان، سرزنش از جانب همسر برای مشکلات کودک، سرزنش از جانب شوهر برای درمان دارویی، تلاش زیاد برای متقاعدسازی همسر، اختلاف نظر با همسر درباره عملکرد کودک، اختلاف نظر با همسر در روش تربیتی، کناره‌گیری همسر، حضور کم‌رنگ پدر، احساس نابرابری در تجربه مشکلات فرزند، افزایش اختلافات خانوادگی، تعارض زناشویی
والدگری چالش‌برانگیز challenging parenting	روش‌های تربیتی آسیب‌زا، ناآگاهی، تنش در رابطه با فرزند، وابستگی کودک، برآورده نشدن انتظارات والد	ناتوانی در مدیریت رفتار کودک به تنهایی، توسل به همسر برای کنترل رفتار کودک، ناتوانی در حفظ حمایت، دشواری در رها کردن روش‌های تربیتی نادرست، تنیه بدنی کودک، برداشت اشتباه از علت مشکل کودک، جدال برای کنار زدن احساسات منفی نسبت به کودک، همزمانی مشکلات متعدد کودک، تغییر نقش والد به معلم، انتظارات بالا از کودک، رفتار کنترل‌گرانه مادر، فشار به کودک، لجبازی کودک، برچسب منفی بر کودک، سرزنش کودک، عدم همکاری کودک، نافرمانی کودک، آسیب دیدن رابطه با کودک در مورد مسائل تحصیلی، تنش مداوم در ارتباط با کودک، دشواری در ارتباط با کودک، پرخاشگری کودک، تسلیم شدن در برابر کودک، تقویت رفتارهای نامناسب کودک، استفاده ابزاری از ترس و احساس گناه برای کنترل رفتار کودک، ناتوانی کودک در درک محدودیت‌ها، قلدری کودک در خانه، معرفی کودک به عنوان عامل اختلاف در خانواده، جدال با کودک، پیوند عاطفی ضعیف فرزند با والدین، بکارگیری روش‌های تنبیهی نامناسب، اضطراب جدایی کودک، وابستگی زیاد کودک، افزایش وابستگی به مادر از بدو ورود به مدرسه، دشواری در پذیرش مشکل، انکار، آمادگی نداشتن برای روبرو شدن با مشکل، توقع بهترین بودن کودک، برآورده نشدن توقعات والدینی از کودک، برهم خوردن آرزوها، تصور سرآمد بودن کودک، برهم خوردن تصورات والدین از توانمندی‌های کودک، ظهور ناگهانی مشکل کودک، نامتناسب بودن پیشرفت تحصیلی با توانمندی هوشی کودک، انتظار عالی بودن کودک، مقایسه کودک با همشیره‌هایش
سیستم آموزشی ناکارآمد inefficient education system	ناکارآمدی مدرسه، ناآگاهی معلم، سهم اندک مدرسه در درمان، فشار مالی	نارضایتی از ارتباط کودک با کودکان مشکل‌دار در مدرسه، کوتاهی معلم، اهمیت ندادن مدرسه به مشکل کودک، سرزنش مدرسه، تمایل به انتقال مسئولیت به مدرسه، تأثیر مخرب معلم در تربیت کودک، نگرانی از تنها گذاشتن کودک در مدرسه، نقش آسیب‌زای مدرسه، اعتراض به مدرسه، انتقاد به معلم، مشکلات مدارس دولتی، خشم نسبت به معلم، تنش در رابطه با معلم، تعویض مدرسه، درخواست از معلم برای توجه به نیازهای کودک، ناآگاهی معلم، صرف هزینه‌های بی‌فایده، استخدام معلم خصوصی، ناکافی بودن آموزش مدرسه، دشواری و طولانی بودن درمان، نگرانی از انگ خوردن کودک در مدرسه، نگرانی از نگرش منفی معلم

افت غنای زندگی Decrease in psychologically rich life	تغییر نقش والد به معلم، محدود شدن فعالیت‌ها	اختصاص تمام تعطیلات به آموزش کودک، پیگیری مداوم وضعیت تحصیلی کودک، محدود شدن فعالیت‌های مادر، تک بُعدی شدن زندگی، از بین رفتن دلخوشی‌ها، مشکلات متعدد، تغییر نقش والد به معلم، ختم شدن همه چیز به مسائل درسی کودک، محدود شدن زندگی مادر، پیگیری مداوم مشکلات تحصیلی، تلاش بیش از حد برای حل مشکلات تحصیلی کودک
تجربه هیجان‌نا منفی Experience of negative emotions	خشم، غم، شرم، احساس تنهایی، خودسرزنی، سردرگمی، درماندگی، ترس، خستگی، حسرت	تاسف از بی‌اطلاعی، افسوس گذشته، خستگی، بی‌نتیجه ماندن تلاش‌ها، سرخوردگی، شرم از مسخره شدن کودک، احساس ناتوانی در ادامه دادن، احساس ناتوانی در تحمل فشارها، غم ناشی از دیدن ناتوانی کودک، احساس بی‌کفایتی، ترس از عدم بهبودی، عصبی شدن، احساس تنهایی در مواجهه با مشکلات، استیصال، شوکه شدن از دیدن کارنامه، تجربه دشواری، خشم به کودک، ترس از آسیب زدن به فرزند، احساس سردرگمی، سرزنش خود، تردید درباره درستی یا نادرستی تلاش‌ها، درگیری ذهنی، احساس گناه، احساس خلاء، درماندگی، افزایش حساسیت، ترس از شدت گرفتن مشکلات فرزند در آینده، نگرانی از سرخورده شدن کودک، نگرانی از آینده، احساس غم با شروع مدرسه، حسرت داشتن فرزند عادی
مشکلات جسمی- روانی physical-psychological problems	ضربه روانی، مشکلات روان‌تنی، اضطراب	به هم ریختگی روانی، استرس، ضربه روحی ناگهانی بعد از اطلاع از اختلال کودک، نگرانی برای سلامتی خود، مشکلات روان‌تنی مادر، آشفتگی، افزایش اضطراب، از کنترل خارج شدن نگرانی‌ها، افزایش اضطراب در مهرماه

کودکان، ترس از قضاوت اطرافیان، اجتناب از موقعیت‌های قضاوت‌گر، کناره‌گیری اجتماعی و انزوای اجتماعی بوده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های تجربه شده توسط مادران کودکان دارای اختلال یادگیری درک نشدن از جانب دوستان و آشنایان و تلاش زیاد برای تغییر دیدگاه دیگران بود. این مادران برای آن‌چه از دیدگاه دیگران «حساسیت بیش از حد» است سرزنش می‌شوند. در پاره‌ای از موارد عنوان کردند که اطرافیان در جمع‌های خانوادگی یا دوستانه کودک را در مورد آموخته‌های تحصیلی مورد پرسشگری یا مقایسه با همسالانش قرار می‌دهند. تا جایی که مادران برای مواجه نشدن با این تجربیات دردناک به انزوای اجتماعی پناه می‌برند. در این مورد مادران با این جملاتی از این دست، تجربیات خود در این زمینه را شرح دادند: من هر چی می‌گفتم اطرافیان قبول نمی‌کردند این بچه مشکل داره (مصاحبه‌شونده شماره ۵). همه بهم می‌گن تو خیلی زیادی حساسی (مصاحبه‌شونده شماره ۴). بعضی از آشناها و فامیل دوست دارند بچه‌هاشون رو بولد کنند و توی سر بقیه بکوبند (مصاحبه‌شونده شماره ۱۴). من به چند نفر بگم که به بچه نگو بخون، نمره‌ت چند شده؟ (مصاحبه‌شونده ۷). مثلاً سعی می‌کنیم به جاهایی که آدمایی هستند که از آتنا سؤال می‌کنند کلاس چندمی اینجا چی نوشته و.. دوری کنیم

(مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

۲- آسیب‌دیدگی روابط زناشویی (marital relationship impairment): با ژرف

نگریستن در گزاره‌های بیان‌شده در مصاحبه مادران کودکان دارای اختلال یادگیری ۱۵ مفهوم مرکزی (نداشتن فهم مشترک از سطح مشکلات کودک، احساس تنهایی در برابر فشارها، تنهایی در بردوش کشیدن بار مشکلات، احساس نابرابری در تجربه مشکلات فرزند، انکار مشکل از سمت شوهر، اختلاف نظر با همسر درباره عملکرد کودک، تعارض با همسر در انتخاب نوع درمان، اختلاف نظر با همسر در روش تربیتی، سرزنش از جانب همسر برای مشکلات کودک، سرزنش از جانب شوهر برای درمان دارویی، افزایش اختلافات خانوادگی، تعارض زناشویی، تلاش زیاد برای متقاعدسازی همسر، کناره‌گیری همسر و حضور کم‌رنگ پدر)، ۴ مفهوم فرعی احساس نابرابری، عدم توافق، تعارض و کناره‌گیری همسر را شکل دادند. مفهوم آسیب‌دیدگی روابط زناشویی با نگاه موشکافانه در مصاحبه مادران از بیاناتی مانند آنچه در ذیل می‌آید استنباط شد: مادر بیشترین زحمت رو کشیده بیشترین نگرانی مال مادری را راحت‌تر بر خورد می‌کنند (مصاحبه‌شونده ۲). پدرش لمس نمی‌کنه قضیه رو و بارش زیاد رو دوش منه (مصاحبه‌شونده ۸). خیلی موارد که من روش حساسم برای همسرم طبیعی (مصاحبه‌شونده ۶). شوهرم که راضی نمی‌شد محمد رو بیاریم دکتر (مصاحبه‌شونده ۴). شوهرم می‌گه تو اینجوریش کردی (مصاحبه‌شونده ۳). باباش با زمان خودش مقایسه می‌کنه می‌گه مگه ما قدیما این جور بودیم؟! (مصاحبه‌شونده ۱۴). به خاطر پسر من شوهرم خیلی مشکل پیدا کردیم (مصاحبه‌شونده ۵).

۳- والدگری چالش‌برانگیز (challenging parenting): مفهوم اصلی والدگری چالش‌برانگیز

پس از تحلیل و جمع‌بندی کدهای توصیفی بدست‌آمده حول محور چالش‌هایی که مادران در ارتباط با فرزندانشان تجربه کرده‌اند استنباط شد. این مفهوم که بخش بزرگی اغلب مصاحبه‌ها را به خود اختصاص داده بود متشکل از مفاهیم فرعی ذیل بود: ناآگاهی، روش‌های تربیتی آسیب‌زا، تنش در رابطه، مخدوش شدن تصویر ذهنی از کودک، وابستگی. مادران عنوان کردند که: من به عنوان مادر استرس بچه رو تشخیص نمی‌دادم (مصاحبه‌شونده ۱). تا پارسال فکر می‌کردم محمد علی بی‌دقته و وقتی نمره‌ش کم می‌ش د (مصاحبه‌شونده ۱۲). منم به جایی سعی می‌کنم بترسونمش می‌گم اذیت کردی که خواب بد دیدی (مصاحبه‌شونده ۵). با کتاب شده که بزمن توی

سرش (مصاحبه‌شونده ۷). می‌دونم اشتباهه ولی دائم دارم سرش داد می‌کشم (مصاحبه‌شونده ۲).

۴- سیستم آموزشی ناکارآمد (inefficient education system): در نگاهی موشکافانه به

تجربه زیسته مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر چالش‌هایی که این مادران در رابطه با مدرسه فرزندانشان با آن مواجه بودند مورد توجه قرار گرفت. مفاهیم فرعی ناکارآمدی مدرسه، ناآگاهی معلم، سهم اندک مدرسه در درمان و فشار مالی زیرمجموعه مفهوم سیستم آموزشی چالش‌برانگیز را شکل داده‌اند. به عنوان مثال مادران ذکر کردند: بچه‌م ۸ ساعت توی مدرسه‌س. آسیب جدی رو اونجا می‌بینم (مصاحبه‌شونده ۱). معلمش اصلاً آشنا نبود با مشکل اختلال یادگیری و به من هیچ فیدبکی نداد که بچه مشکل داره (مصاحبه‌شونده ۱۰). سال اول مدرسه دولتی بود که متأسفانه بچه‌مو رها کرده بودند به حال خودش (مصاحبه‌شونده ۵). با عصبانیت رفتم به معلمش گفتم تو اصلاً نمی‌فهمی با بچه‌ای که توجهش کمه چکار باید بکنی (مصاحبه‌شونده ۸). توی کلاس سوم انگیزه‌ش صفر شد جوروی که دیگه خوشش از درس و مدرسه نمی‌اومد. بعدش اعتراض کردم (مصاحبه‌شونده ۹). من بهشون می‌گم اگر من به تکالیف امیر رسیدگی نکنم انجام نمی‌ده. شما باهانش برخورد کنید. ولی اونا هیچ کاری نمی‌کنند (مصاحبه‌شونده ۳). براش مجبورم معلم خصوصی بگیرم. خیلی هزینه کردیم (مصاحبه‌شونده ۱۴).

۵- افت غنای زندگی (Decrease in psychologically rich life): یکی از مفاهیم اصلی

که از میان سطور مصاحبه مادران بدست آمد کاهش غنای زندگی آنان بود. مادران مشغولیت زیادی با جنبه تحصیلی زندگی فرزندشان داشتند و در سایه آن دیگر جنبه‌های زندگی‌شان رنگ باخته بود. مفاهیم تغییر نقش و تک‌بُعدی شدن زندگی این مفهوم اصلی را ایجاد کردند. در این راستا مادران عنوان کردند: ۶ ماه من باید همه‌ش بگم یاسین تکلیفت. یاسین درست. اینا بیشتر اذیتم می‌کنه (مصاحبه‌شونده ۱). الان من باید همه‌ش بشینم خونه علوم رو بخونم و براش توضیح بدم. شعر رو باید با هم بشینیم حفظ کنیم (مصاحبه‌شونده ۶). کل تابستون رو من هر روز باهانش کار کردم (مصاحبه‌شونده ۲). من با این سنم همه چی رو گذاشتم کنار و افتادم دنبال کارای این بچه (مصاحبه‌شونده ۸). همه زندگی ما همه‌ش شده وضعیت تحصیل دخترم (مصاحبه‌شونده ۱۰).

۶- تجربه هیجانات منفی (experience of negative emotions): مفهوم دیگری که از

مصاحبه مادران استخراج شده مفهوم تجربه هیجانات منفی بود. مفاهیم خشم، غم، شرم، احساس

تنهایی، خودسرزنی، سردرگمی، درماندگی، ترس، خستگی و حسرت این مفهوم را شکل داده‌اند. به عنوان مثال مادران بیان کردند: من دیگه نمی‌دونم چکار کنم باهاش (مصاحبه‌شونده ۱۴). هیشکی نمی‌دونه من چی می‌کشم (مصاحبه‌شونده ۳). ولی می‌دونم خودم ظلم در حقش کردم (مصاحبه‌شونده ۱۲). ازش عصبانیم. من خیلی تلاش کردم با کتاب‌هایی که می‌خونم هم سعی می‌کنم که نگهش دارم ببخشمش (مصاحبه‌شونده ۷) روزی که کارنامه‌اش رو دادن من داشتم می‌مردم (مصاحبه‌شونده ۵). مهر که می‌شه غم عالمو می‌ریزن روی دلم (مصاحبه‌شونده ۱۰). روی خوشی تو زندگی نمی‌بینم (مصاحبه‌شونده ۴). سخت‌تر اینه که می‌خوای بری توی اجتماع همیشه یه ترسی داری (مصاحبه‌شونده ۳). یه دوره‌ای کاملاً ناامید بودم (مصاحبه‌شونده ۱۱). دیگه نمی‌تونم اینجوری ادامه بدم (مصاحبه‌شونده ۹). کاش من آگاهی داشتم و زودتر به داد بچهم می‌رسیدم (مصاحبه‌شونده ۲).

۷- مشکلات جسمی - روانی (physical-psychological problems): با نگاهی ژرف به مصاحبه مادران کودکان با اختلال یادگیری مفاهیم فرعی ضربه روانی، مشکلات روان‌تنی و اضطراب در ذیل مفهوم اصلی مشکلات جسمی - روانی ادراک شد. مادران شرکت‌کننده در پژوهش به مشکلاتی که برای سلامت جسم و روان‌شان به دنبال فشار مشکلات فرزندشان تجربه می‌کنند اشاره کرده‌اند. این مفهوم از میان عباراتی از این دست استنباط شد: مشکل این بچه برام ضربه خیلی بزرگی بود (مصاحبه‌شونده ۱۱). کارنامه‌اش رو که دیدم من دو روز گریه می‌کردم (مصاحبه‌شونده ۶). من فشار خون گرفتم (مصاحبه‌شونده ۵). با بزرگ شدن پسر من شاید خودمم آسیب ببینم (مصاحبه‌شونده ۱۳). من تصمیم گرفتم برم پیش روان‌پزشک اعصابم بهم ریخته (مصاحبه‌شونده ۱). اضطراب شدیدی دارم. با شروع مدرسه صد برابر می‌شه (مصاحبه‌شونده ۹).

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با هدف رسیدن به درک ژرف‌تری از تجربیات درونی مادران کودکان دارای اختلال یادگیری از مشکلات هیجانی - رفتاری فرزندانشان، توصیفات این مادران در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در مصاحبه‌ها به دقت مورد توجه قرار گرفت. نتایج این پژوهش چالش‌هایی را که این مادران با آن دست به‌گریبان هستند به خوبی نشان داد. ۳۱ مفهوم فرعی و ۷ مفهوم اصلی (آسیب‌دیدگی روابط اجتماعی، آسیب‌دیدگی روابط زناشویی، والدگری

چالش برانگیز، سیستم آموزشی ناکارآمد، کاهش غنای زندگی، تجربه هیجانانگیز منفی، و مشکلات جسمی- روانی) پدیدار اصلی فرسودگی والدگری را نمایان کردند. بخش عمده‌ای از اظهارات مادران دربردارنده تجربیات منفی و دشواری‌هایی بود که به واسطه مشکلات تحصیلی فرزندان متحمل شده بودند که به تجربه احساس فرسودگی در والدگری انجامیده بود. این نتایج با پژوهش‌های متعددی که نشان داده‌اند والدین کودکان دارای اختلال یادگیری استرس بیشتری نسبت به والدین کودکان عادی تجربه می‌کنند (Anuar et al., 2021؛ Moore, 2021) هماهنگ بود. این استرس در حوزه‌های روابط اجتماعی، روابط زناشویی، والدگری و چالش‌های آموزشی مشاهده شد که کاهش غنای زندگی، تجربیات هیجانی منفی و مشکلات جسمی- روانی را به همراه داشت.

ناآشنایی با اختلال یادگیری و عدم آگاهی از ماهیت و محدودیت‌های کودکان دارای اختلال یادگیری از عواملی بود که به این چالش‌ها دامن می‌زد. کودکان دارای اختلال یادگیری از نظر هوشی در محدوده طبیعی قرار دارند (APA, 2013) از این جهت اطرافیان و والدین انتظارات بالایی را از آنان شکل می‌دهند. از آنجایی که کودکان در برآورده کردن انتظارات پیشرفت تحصیلی اطرافیان موفق نیستند؛ مورد قضاوت آشنایان، معلم‌ها، همسالان و والدین قرار می‌گیرند. مادران از قضاوت‌های اطرافیان در مورد فرزندشان احساس شکست و شرم می‌کنند. از سوی دیگر، تلاش برای متقاعدسازی آنان درباره مشکلات کودکشان فرایندی فرساینده است. مورد اخیر برای متقاعدسازی همسر برای اتخاذ روش درمانی مناسب چالش برانگیزتر بود. این یافته با یافته‌های متعدد پژوهشی در زمینه فرسودگی والدگری (Le Vigouroux, 2017؛ Mikolajczak, 2018) هماهنگ است. یافته‌های پژوهش (Leung, 2020) نیز نشان داده است از دید مادران حمایت پدران نقش مهمی در رضایت زناشویی و کاهش فشار مراقبت از فرزند و خودبستگی والدینی آنان دارد (Nordin & Husain, 2020; Cohen et al., 2015). در پژوهش حاضر دیده شد که احساس درک نشدن و شرم، مادران کودکان دارای اختلال یادگیری را به سمت کناره‌گیری از روابط اجتماعی و انزوا سوق می‌دهد. شرم محصول مجموعه‌ای پیچیده از حالات شناختی مانند ارزیابی عملکرد فرد با توجه به استانداردها، قوانین و اهداف و ارزیابی‌های کلی فرد است (Poulson, 2000; Alex & Farisha, 2021).

درگیری مداوم با مشکلات تحصیلی کودک خشم از او، همسر و عملکرد مدرسه را در مادران برمی‌انگیزد. از آنجایی که آموزش و پرورش در ایران سازوکار مناسبی برای حمایت تحصیلی و عاطفی از کودکان دارای اختلال یادگیری و مادران آنها ندارد (Matin et al., 2018)، والدین سردرگمی، خستگی و درماندگی زیادی را متحمل می‌شوند. هزینه برطرف کردن نواقص سیستم آموزشی عمومی بر عهده والدین قرار می‌گیرد. از این رو مادران عنوان کردند در زمینه انتخاب نوع درمان مناسب و پیگیری آن زمان زیادی را از دست داده‌اند و تنش و سردرگمی بسیاری را متحمل شده‌اند. در مجموع این تنیدگی‌ها مادران را با مشکلات جسمی و روان‌شناختی متعددی درگیر نموده؛ از جمله اضطراب و افسردگی که با شروع سال تحصیلی فرزند شدت می‌یابد. افزون بر این مادران گزارش کردند که دچار مشکلات روان‌تنی مثل افزایش فشار خون، سر درد و افزایش تحریک‌پذیری شده‌اند. در این راستا یافته‌های پژوهش Miodrag and Hodapp (2010) نیز آشکار ساخت والدین کودکانی که با مشکلات هوشی و تحولی دست به گریبان هستند، بیشتر و شدیدتر از والدین عادی عوامل تنیدگی‌زای مزمن را تجربه می‌کنند که بخش بزرگی از آن مرتبط با نیازهای ویژه فرزندانشان و مشکلات رفتاری آنان است.

نظر به یافته‌های پژوهش حاضر به نظر می‌رسد که سلامت جسمی و روان‌شناختی مادران کودکان دارای اختلال یادگیری در جریان مداخلات به شدت مغفول مانده است. مادران این کودکان به یکباره درگیر مشکلات چندجانبه فرزندان خود پس از ورود آنها به مدرسه شده به نحوی که برخی از آن با عنوان «ضربه بزرگ» یاد می‌کنند. پیشنهاد می‌گردد به بررسی اهمیت مداخلات همه‌جانبه برای کودکان دارای اختلال یادگیری، والدین آنها و کادر آموزش و پرورش توجه پژوهشی بیشتری شود. از آنجایی که پژوهش حاضر در مورد تجربیات پدران و همشیران کودکان دارای اختلال یادگیری و خود کودکان درگیر با اختلال یادگیری نپرداخته‌است این مهم نیز می‌تواند زمینه پژوهشی را برای سایر پژوهشگران فراهم آورد. همچنین پژوهش حاضر در شهر تهران انجام پذیرفته است. محتمل است که محدودیت‌های پژوهش مانع شنیدن صدای مادران کودکان دارای اختلال یادگیری در مناطق حاشیه‌ای و کمتر برخوردار شده باشد. پیشنهاد می‌گردد تجربه زیسته مادران در مناطق حاشیه‌ای، شهرهای کمتر برخوردار و روستاها به صورت ویژه مورد پژوهش قرار گیرد.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر سعید قنبری، به عنوان استاد راهنما، نظارت راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. فاطمه مظاهری تهرانی تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را بر عهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی دکتر جلیل فتح‌آبادی، به عنوان استاد راهنمای دوم و دکتر امید شکری و دکتر مسعود شریفی به عنوان استادان مشاور پایان‌نامه، انجام شد.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ مؤسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

تشکر و قدردانی: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدینوسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

References

- Alex, A., & Farisha, A. T. P. (2021). *Overcoming shame: A positive psychology perspective*. In *Shame 4.0* (pp. 177-191). Springer, Cham.
- American Psychiatric Association (APA). (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (4th ed., text rev.)*. Washington, DC: American Psychiatric Association.
- Anuar, A., Aden, E., Yahya, F., Ghazali, N. M., & Chunggat, N. A. (2021). Stress and coping styles of parents with children with learning disabilities. *Global Business & Management Research, 13*(2), 100254.
- Bassak Nejad, S., & Farahani, M. (2015). The relationship between self-attitude, world, and future with mental health in mothers with children with learning disabilities in Ahvaz. *Sabzevar University of Medical Sciences, 22*(5), 773-779. [Persian]
- Brandon, R., Higgins, K., Jones, V. L., & Dobbins, N. (2021). African American parents with children with disabilities: Gathering home-school reflections. *Intervention in School and Clinic, 57*(2), 119-125.
- Cohen, S. R., Holloway, S. D., Domínguez-Pareto, I., & Kuppermann, M. (2015). Support and self-efficacy among Latino and White parents of children with ID. *American Journal on Intellectual and Developmental Disabilities, 120*(1), 16-31.
- Dyson, L. (2010). Unanticipated effects of children with learning disabilities on their families. *Learning Disability Quarterly, 33*(1), 43-55.
- Farahani, M., Bassak Nejad, S., & Davoodi, I. (2014). The effectiveness of group stress management training on aggression, parenting stress, and mental health of mothers of children with learning disabilities. *Journal of Psychological Achievements (Journal of Education & Psychology), 20*(3), 18-217.
- Hemati Rad, G., Asgari, S., & Tehrani Zadeh, M. (2017). *Learning disorders: with emphasis on reading disorders (theoretical and practical)*. Tehran Avae Noor Publications. [persian]
- Hsiao, Y. J. (2018). Parental stress in families of children with disabilities. *Intervention in School and Clinic, 53*(4), 201-205.

- Jalalikhah, A., Barabadi, H.A., & Abbassi, H. (2020). The Phenomenological analysis of blinds academic achievement factors. *Journal of Psychological Achievements (Journal of Education & Psychology)*, 27(1), 223-246. [Persian]
- Kouvava, S., Antonopoulou, K., Ralli, A. M., Kokkinos, C. M., & Maridaki Kassotaki, K. (2022). Children's vocabulary and friendships: A comparative study between children with and without specific learning disorder and attention deficit hyperactivity disorder. *Dyslexia (Chichester, England)*, 28(2), 149-165.
- Leung, P. W. S. (2020). Impact of fathers' support on marital satisfaction and caregiving strain: Viewpoints of mothers of persons with intellectual disability in Hong Kong. *Journal of Policy and Practice in Intellectual Disabilities*, 17(1), 51-58.
- Lee, J. K., Schoppe- Sullivan, S. J., & Beauchaine, T. P. (2021). Serotonergic sensitivity alleles moderate relations between attachment security at age three and socioemotional competence at age five. *Developmental Psychobiology*, 63(4), 698-712.
- Le Vigouroux, S., Scola, C., Raes, M. E., Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2017). The big five personality traits and parental burnout: Protective and risk factors. *Personality and Individual Differences*, 119, 216-219.
- Lunkenheimer, E., Hamby, C. M., Lobo, F. M., Cole, P. M., & Olson, S. L. (2020). The role of dynamic, dyadic parent-child processes in parental socialization of emotion. *Developmental Psychology*, 56(3), 566-577.
- Matin, H., and Ahmadi, P., & Jalali, M. (2018). Phenomenology of mothers' experiences with children with learning disabilities. *Family Psychology*, 5(2), 53-64. [Persian]
- Miodrag, N., & Hodapp, R. M. (2010). Chronic stress and health among parents of children with intellectual and developmental disabilities. *Current Opinion in Psychiatry*, 23(5), 407-411.
- Mikolajczak, M., Brianda, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (2018). Consequences of parental burnout: Its specific effect on child neglect and violence. *Child Abuse & Neglect*, 80, 134-145.
- Moore, E. (2021). *Parents' experience supporting learning outcomes for children with learning disabilities: A case study*. Doctoral dissertation, Capella University.
- Nordin, N., & Husain, M. (2020). Relationship between coping skills and psychological distress in parents of children with a learning disability. *International Medical Journal*, 27(3), 263-267.
- Poulson, C. (2000). Shame: The master emotion? *The University of Tasmania, School of Management Working*, 20(3), 1-43.
- Soleimani, Z., Ghaffari, M., & Baezzat, F. (2019). The effects of reality therapy group counseling on academic self-concept in students with specific learning disorders. *Journal of Psychological Achievements (Journal of Education & Psychology)*, 26(2), 169-190. [Persian]

